

فضل ائمه اربعة

اهل سنت رضي الله عنهم

نويسنده:

جلال الدين عباسی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

مقدمه.....	۳
امام فقهاء أبو حنيفة نعمان <small>رحمه الله</small>	۵
اسم و نسب امام ابوحنيفه.....	۵
دوران تحصيلی امام ابوحنيفه.....	۵
روش امام ابوحنيفه در برخورد با مسائل اجتهای.....	۶
امام دارالهجرة مالک بن أنس <small>رحمه الله</small>	۷
نسب و محل تولد امام مالک <small>رحمه الله</small>	۷
دوران تحصيلی امام مالک و کوشش وی در یادگیری.....	۷
شدت حفظ امام مالک <small>رحمه الله</small>	۸
تحقیق و بررسی امام درباره راویان حدیث و علماء.....	۸
شاگردان امام مالک <small>رحمه الله</small>	۹
پیروی امام از سنت پیامبر و مخالفت کردن با بدعه.....	۹
هیبت و وقار امام مالک.....	۱۱
اقوال علماء در مورد امام مالک.....	۱۲
گهرهایی از سخنان و حکمت‌های امام مالک.....	۱۲
کتاب موطأ امام مالک و موقعیت علمی آن.....	۱۳
سبب تألیف موطأ.....	۱۴
علت نامگذاری.....	۱۴

وفات امام مالک رحمه الله	۱۴
فقيه بزرگ سنت محمد بن ادریس شافعی رحمه الله	۱۶
اسم و نسب امام شافعی	۱۶
محل تولد و زندگی امام	۱۶
دوران تحصیلی امام	۱۶
فهم و حفظ امام شافعی و اهتمام او به حدیث و سنت رسول الله ﷺ	۱۷
پیروی از حدیث و مخالفت با مذهب اهل کلام	۱۸
پیروی امام شافعی از سنت رسول الله ﷺ	۲۰
أقوال علماء درباره امام شافعی	۲۱
از اقوال و حکمت‌های شافعی	۲۲
کلماتی درباره علم	۲۳
وفات امام شافعی رحمه الله	۲۳
امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمه الله	۲۵
نسب امام احمد	۲۵
محل تولد و زندگی امام احمد	۲۵
تقوی و زهد و بی‌آلایش امام احمد	۲۶
پیروی امام احمد از سنت رسول الله و احترام به اهل حدیث	۲۷
امام احمد و فتنه خلقت قرآن	۲۸
اقوال علماء درباره امام احمد	۳۰
وفات امام احمد بن حنبل	۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

إن الحمد لله نحمده، ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل الله فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله - صلى الله عليه وعلى آله وصحبه أجمعين -.

مقدمه

سخن از ائمة اربعه سخن از سلف صالح است^۱ زیرا ائمة اربعه از بزرگان سلف صالح و از امامان قرن‌هایی هستند که رسول‌الله ﷺ آن را مورد تعریف و مدح قرار داده و توانسته‌اند بعد از توفیق خداوند، بر اثر کوشش و اجتهاد و تأثیر گذاشتن بر فقه اسلامی، این دین را حفظ نمودند و کسانی هم که بعد از اینها آمده، محتاج کوشش و اجتهاد آنها در فقه بوده و از دریای علوم آنها استفاده کرده‌اند. بدون شک ائمة اربعه -رحمة الله عليهم-، قلعه‌های رفیع و استواری در علم و عبادت و زهد و تقوی و اخلاق نیکو بوده‌اند، با این حال در این چند صفحه خلاصه‌ای از زندگی شخصی و فضل و علم و سخنان گهربار آنها که به عنوان پند و نصیحت بر جای مانده است بیان می‌کنیم. و اگر بخواهیم به‌طور کامل درباره آنها سخن بگوییم به علت فضائل زیاد سخن طولانی می‌شود و بعضی از نویسندگان زندگی هر امامی را جداگانه به رشته تحریر درآورده و کسانی که مشتاق معلومات بیشتر می‌باشند می‌توانند به آن کتاب‌ها مراجعه کنند.

هدف ما از بیان زندگی ائمة اربعه تنها این است که مسلمانان آنها را شناخته و در

۱- منظور از سلف: صحابه و تابعین و امامانی هستند که در سه قرن که رسول‌الله ﷺ از آن به خوبی یاد کرده‌اند زندگی می‌کرده‌اند، رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: «بهترین قرن‌ها قرن است که من در آن زندگی می‌کنم سپس کسانی که بعد از قرن من می‌آیند پس کسانی که بعد از این قرن می‌آیند».

پیروی از قرآن و سنت رسول الله ﷺ به این ائمه بزرگوار اقتدا کنند زیرا تنها با پیروی از قرآن و سنت است که امت اسلامی راه راست را شناخته و عزت و بزرگی را خواهد دید. مالک و حاکم حدیثی را از پیامبر ﷺ روایت می کنند که می فرمایند: «در میان شما دو چیز را بجای می گذارم که در صورت پیروی از این دو هیچ وقت گمراه نخواهید شد، کتاب الله و سنت من، و این دو به هیچ عنوان از هم جدا نمی شوند تا اینکه در سر حوض در صحرای محشر به نزد من بیایند»^۱. از خداوند خواستاریم که امت اسلامی را متحد کرده و آنها را به خیر و صلاح دین و دنیایشان هدایت فرمایند.

۱- منظور حدیث این است که قرآن و سنت رسول الله ﷺ تا روز قیامت باهم بوده و قابل جدا شدن از همدیگر نمی باشند و هیچ قانونی بدون قرآن و سنت یا با یکی از این دو قابل قبول نیست و این حدیث ردی است بر کسانی که فقط قرآن را مرجع خود قرار می دهند و از سنت رسول الله ﷺ که توضیح دهنده بسیاری از آیات می باشد رویگردانی کرده و در عوض از هوی و هوس و شیطان پیروی می کنند. در این کتاب خواهیم دید که این ائمه ی بزرگوار چقدر تأکید بر پیروی از سنت رسول الله ﷺ و رسانیدن آن به نسل های بعدی داشته اند سخن خود را مقابل سخن رسول الله ﷺ بی ارزش می دانستند زیرا رسول الله ﷺ همانطور که خداوند در سوره والنجم می فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]. «و سخن نمی گوید از هوی و هوس، نیست سخنان او مگر از وحی که به او از طرف ما رسانیده می شود».

امام فقهاء أبو حنيفة نعمان

اسم و نسب امام ابوحنیفه

او: نعمان پسر ثابت پسر مرزبان است و کنیه وی ابوحنیفه می‌باشد، در خانواده‌ای که در بین قومش دارای شرف و احترام بود به دنیا آمد، اصل او از کابل - پایتخت افغانستان امروز - می‌باشد. جدش مرزبان در زمان خلافت طلایی حضرت عمر رضی الله عنه اسلام آورد سپس به کوفه آمده و در آنجا اقامت گزید. امام ابوحنیفه رحمته الله در سال ۸۰ هجری در کوفه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان بدنیا آمد.

دوران تحصیلی امام ابوحنیفه

وی در خانواده‌ای مسلمان، باتقوی، ثروتمند و سخاوتمند پرورش یافت و چنین به نظر می‌رسد که تنها فرزند پدر و مادرش بوده است. پدرش در کوفه به پارچه‌فروشی اشتغال داشت. امام ابوحنیفه ابتدا به علم اصول دین روی آورد و با کسانی که از راه و عقیده سلف صالح خارج و گمراه شده بودند به مناقشه پرداخت. به همین خاطر ۲۷ مرتبه وارد بصره شده تا اتهامات و شبهاتی که به شریعت اسلام چسبانیده بودند از اسلام دور کند و اسلام حقیقی را برای مردمان بیان کند. با جهم بن صفوان بزرگ گمراهان و با ملحدین و معتزله و خوارج و رافضی‌های تندرو به مناقشه پرداخت و آنها را محکوم کرد. ژفر که یکی از شاگردان امام ابوحنیفه می‌باشد، سبب روی آوردن امام ابوحنیفه را به فقه از زبان خود امام چنین بیان می‌کند: در علم کلام به درجه‌ای رسیده بودم که زبانزد عام و خاص شده بودم. حلقه درس ما، در نزدیکی حلقه درس حماد بن ابی سلیمان بود. روزی زنی از من سؤال کرده که مردی می‌خواهد زنش را براساس سنت طلاق دهد او را چند طلاق می‌دهد؟ از او خواستم که از حماد سؤال کرده و مرا در جواب مسأله قرار دهد. حماد به او گفته بود: باید زن از قاعده ماهیانه پاک باشد و شوهرش با او همخوابی

نکند پس او را یک طلاق بدهد. بعد از دو حیض دیگر (که در مجموع سه بار قاعده ماهیانه را پشت سر گذاشته است) غسل کرده و می‌تواند شوهر کند. امام ابوحنیفه می‌گویند: بعد از آن علم کلام را رها کرده و به حلقه درس حماد رفته و به خاطر خوب فهمیدن درسهایش و جواب درست دادن مورد احترام حماد قرار گرفتم.

امام ابوحنیفه به افکار و آراء فقهی حماد روی آورده و از شاگردان ممتاز وی شد بدین خاطر حماد او را صدر حلقه درس خود می‌نشاند. رفتار او با استادش حماد هم جای تعجب و تأمل می‌باشد، مثلاً پشت در خانه استادش می‌نشست تا اینکه استادش از خانه خارج شود و از او سؤال کرده و یا احتیاجات او را برآورده کند، و مدت ۱۸ سال بدین‌صورت در مصاحبت استادش بود تا اینکه حماد وفات یافت و شاگردانش، امام ابوحنیفه را به جانشینی حماد انتخاب کردند. امام ابوحنیفه می‌گویند: از زمانی که حماد وفات یافته هر نمازی که می‌گزارم از خداوند طلب مغفرت برای پدرم و حماد می‌کنم و من برای کسی که چیزی از او یاد گرفته و یا چیزی به او یاد داده‌ام طلب مغفرت می‌کنم.

روش امام ابوحنیفه در برخورد با مسائل اجتهای

امام ابوحنیفه رحمته الله روش جدیدی در برخورد با مسائل اجتهادی اتخاذ کردند و آن از طریق به بحث و مناقشه گذاشتن مسأله‌ای در حلقه درس بود. و شاگردانش هر کدام رأی خود را بیان کرده سپس امام ابوحنیفه به تصحیح آراء می‌پرداخت و چه بسا مناقشه مسأله‌ای چندین روز ادامه می‌یافت این بحث علمی آزادی بود که در آن به آراء افراد احترام گذاشته می‌شد و دور از هرگونه تعصب بود و امام ابوحنیفه با اینکه رأی خود را بیان می‌کرد اما شاگردانش را ملزم به تبعیت از آن نمی‌کرد^۱. رحمت خداوند بر او باد و جای او در بهشت باد.

۱- چه خوب بود الان نیز روش بحث علمی آزاد پیاده می‌شد تا بدین‌وسیله شخصیت علمی و عقل دانش‌آموزان پرورش یابد.

امام دارالهجرة مالک بن انسؓ

نسب و محل تولد امام مالکؓ

او: ابو عبدالله مالک بن انس بن مالک بن اُبی عامر از دی اُصبح از قبیله حمیر و مادرش عالیہ دختر شریک بن عبدالرحمن اُزدی می باشد. در سال ۹۳ هـ. ق. بنا بر صحیح ترین اقوال در مدینه الرسول هجرت گاه پیامبر و محل تربیت بهترین نسلی که به دست پیامبر تربیت شده بودند و بشریت آن را شناخته است بدنیا آمد.

دوران تحصیلی امام مالک و کوشش وی در یادگیری

امام مالکؓ در موردشان می گویند: برادری داشتم در سن اُبی شهاب زهری. روزی پدرم از ما سؤالی کرد که برادرم جواب صحیح داد. پدرم به من گفت: کبوترها تو را از طلب علم بازداشته اند. از این قول پدرم ناراحت شدم و مدت ۷ سال در محضر ابن هرمز به کسب علم مشغول شدم. امام مالک در طلب علم کوشا و جدی بود و خود امام می گویند: در هنگام ظهر در زیر آفتاب که هیچ سایه ای نبود انتظار خارج شدن نافع برده آزادشده عبدالله ابن عمرؓ را می کشیدم که انسانی تندخو و خشن بود. پس از اینکه از خانه خارج می شد خود را مشغول کرده مثل اینکه او را ندیده ام پس بر او سلام کرده و هنگام داخل شدن به خانه از او سؤال می کردم که عبدالله بن عمر در این مسأله چه می گوید؟ او جوابم را می داد و سپس در خانه به روی من بسته می شد.

امام مالک جوای ای احادیثی بود که ابن شهاب زهری روایت می کرده است. خود امام می گویند: پس از نماز عید با خود گفتم امروز روزی است که ابن شهاب زهری تنها می باشد. در پشت در خانه اش نشستم. صدایش را شنیدم که به کنیزش می گفت: ببین چه کسی پشت در نشسته است؟ کنیز گفت: مالک بن انس است. گفت: او را به داخل بیاور،

پس از داخل شدن به خانه گفت: می بینم به خانه ات نرفته ای؟ گفتم: نه. گفت: آیا چیزی خورده ای؟ گفتم: نه. گفت: پس غذا بخور. گفتم: احتیاجی به غذا ندارم. گفت: پس چه می خواهی؟ گفتم: برایم احادیث روایت کن. گفت: دفترت را بیاور و چهل حدیث را برای من روایت کرد. طلب زیادت کردم گفت: کافی است. اگر تو این چهل حدیث را حفظ کرده ای از جمله حفاظ هستی. گفتم: آیا این احادیث را الان برایت از حفظ تکرار کنم؟ دفترت را از من گرفته و من احادیث را تکرار کردم. گفت: برخیز که تو کیسه علم هستی.

شدت حفظ امام مالک رحمته الله

امام مالک رحمته الله می گویند:

یحیی بن سعید می گویند: امام مالک حافظ بودند.

یحیی بن معین می گویند: هیچ کس را حافظ تر از امام مالک و سفیان ثوری برای احادیثی که خود روایت می کنند، ندیده ام.

سفیان ثوری می گویند: مالک از حافظ ترین علمای عصر خود می باشد.

تحقیق و بررسی امام درباره راویان حدیث و علماء

ابن عبدالبر در کتاب «الانتقاء» از امام مالک روایت می کنند که امام مالک می فرمایند: این علم (حدیث رسول الله ﷺ)، دین است پس بنگرید از چه کسانی دیتان را می گیرید. من از هفتاد نفر از کسانی که حدیث را روایت می کردند، حدیث روایت نکرده ام و این به خاطر این نیست که آنها مورد اعتماد و اطمینان نبوده اند بلکه اگر یکی از آنها مسؤول بیت المال مسلمین کرده شود اصلاً خیانت نمی کند و تنها به خاطر این است که شایسته این علم نیستند ولی ابن شهاب زهری به مدینه آمدند که حتی جلو در خانه اش به علت کثرت مشتاقان حدیث پیامبر ﷺ شلوغ بود.

امام مالک می فرمایند:

از چهار کس علم فرا نگیرید: از نادان و از صاحب بدعتی که مردم را به بدعت خود دعوت می‌کند و از دروغگو اگرچه بر پیامبر دروغ نمی‌بندد و از عالمی که دارای فضل و تقوی است اما نمی‌داند دارای چه علمی است و نمی‌داند که چه چیز را روایت می‌کند.

شاگردان امام مالک رحمه الله

ابن کثیر می‌گوید: امام مالک از بسیاری از تابعین حدیث روایت می‌کند و علمای بزرگ از آن جمله سفیان ثوری و سفیان بن عیینه و شعبه و عبدالله بن مبارک و اوزاعی و ابن مهدی و ابن جریج و لیث و شافعی و یحیی بن سعید القطان و استادانش ابن شهاب زهري و یحیی بن سعید انصاری از امام مالک حدیث روایت می‌کنند. امام ذهبی می‌گویند: از او افراد زیادی حدیث روایت می‌کنند که شاید قابل شمارش نباشند.

زرقانی می‌گوید: روایت‌کنندگان از امام مالک به قدری زیاد است که هیچ یک از ائمه اینقدر راوی که از آنها روایت کنند نداشته‌اند. و خطیب بغدادی کتابی دربارهٔ راویان او نوشته که تعداد آنها را ۹۹۳ نفر ذکر کرده است. شاگردان امام هم زیاد می‌باشند که از آن جمله: عبدالله بن وهب و أشهب بن عبدالعزيز و عبدالله بن عبدالحکم و عبدالرحمن بن قاسم بن خالد و غیر ایشان می‌باشند.

پیروی امام از سنت پیامبر و مخالفت کردن با بدعه

از امام مالک رحمه الله حرص زیادش در پیروی از سنت پیامبر ﷺ و زندگی صحابه و مخالفت و کراهیت شدید با بدعت روایت شده است و بیشتر اوقات این شعر را می‌خواندند:

وخیرُ أمور الدّین ما کان سنّةً وشرُّ الأمور المحدثات البدائع^۱

۱- و بهترین امور دین آن چیزی است که سنت باشد. و بدترین امور، تازه بوجودآمده‌ها در دین می‌باشد.

امام شاطبی در کتاب «الاعتصام» از ابن ماجشون نقل می‌کنند که امام مالک می‌گویند: کسی که در اسلام بدعتی بوجود آورد و آن بدعه را نیکو بیندارد (بدعه حسنه) این شخص معتقد شده که پیامبر در ادای رسالت خیانت کرده است در حالیکه خداوند می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾
[المائدة: ۳].^۱

ابن عبدالبر در کتاب «الانتقاء» در باب نظر امام مالک درباره اهل هوی و هوس از امام مالک نقل می‌کند که گفتند:

هیچ آیه‌ای در قرآن سخت‌تر و شدیدتر بر اهل هوی و هوس از این آیه نمی‌باشد:

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ [آل عمران: ۱۰۶].^۲

خداوند می‌فرماید:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ أَسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۶].^۳

امام مالک گفتند: پس چه سخنی واضح‌تر از این آیه هست و مصداق این آیه را بر اهل هوی و هوس می‌بینم. و این واقعه از امام مالک مشهور شده است که شخصی از او درباره آیه: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵]. سؤال کرد که استواء چگونه می‌باشد. امام پس از مدتی سکوت جواب دادند: استواء معلوم است اما کیفیت و

۱- «امروز کامل کردم بر شما دینتان را و تمام کردم بر شما نعمتم را و راضی شدم برای شما اسلام را به عنوان دین برای شما.»

۲- «روزی که سفید می‌شود صورت‌هایی و سیاه می‌شود صورت‌هایی.»

۳- «پس کسانی که سیاه شد چهره‌هایشان آیا کافر شدید بعد از ایمان آوردن؟ پس بچشید عذاب را به خاطر آنچه که کفر می‌ورزیدید.»

چگونگی آن مجهول و نامعلوم و سؤال کردن درباره استواء بدعت و ایمان آوردن به آن واجب است.

ابن العربی از زیربن بکار نقل می‌کند که شخص از امام مالک سؤال کرد از کجا احرام ببندم؟ گفتند: از ذوالحلیفه جایی که رسول الله ﷺ احرام بسته‌اند. آن شخص با اصرار می‌گفت که می‌خواهم از مسجد پیامبر احرام ببندم. امام مالک گفتند: من از «فتنه» بر تو می‌ترسم. آن شخص گفت: آیا اگر چندین میل زیادتر احرام ببندم در آن فتنه‌ای هست؟ امام گفتند: چه فتنه‌ای بدتر از اینکه می‌پنداری می‌خواهی فضیلتی را انجام دهی که رسول الله ﷺ آن را انجام نداده است. و خداوند می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۴].^۱

هیبت و وقار امام مالک

از صفاتی که خداوند به امام مالک بخشیده بودند و در اخبار و روایات نقل شده، هیبت و وقار وی می‌باشد. خلیفه هارون الرشید می‌گوید: در بین علماء هیچ‌کس با هیبت‌تر از مالک و باتقوی‌تر از فضیل بن عیاض ندیده‌ام. سعید بن مریم می‌گوید: با هیبت‌تر از مالک ندیده‌ام تا آنجایی که با هیبت‌تر از حاکم بود. زیاد بن یونس می‌گوید: نه عالمی و نه عابدی و نه دزدی و نه امیری با هیبت‌تر از مالک ندیده‌ام.^۲

امام شافعی می‌گویند: از هیچ‌کس همانند مالک، در هنگامی که به او نگاه می‌کردم نترسیده‌ام. می‌گویند: سفیان ثوری در مجلس امام مالک بودند، زمانی که احترام مردم برای امام مالک و احترام امام مالک برای علم را دید این شعر را سرود:

۱- پس باید بترسند کسانی که مخالفت می‌کنند از امر پیامبر اینکه برسد به اینها آزمایشی یا برسد به ایشان عذابی دردناک. این آزمایش همان مصیبت‌ها و مشقت‌ها می‌باشد.

۲- معمولاً دزد در بین مردم رعب و وحشت آورده و هیبت امام مالک از رعب و وحشتی که دزد در بین مردم بوجود می‌آورد نیز بیشتر می‌باشد.

يأبى الجواب فلا يراجع هيبَةً أدب الوقار وعزُّ سلطانٍ التقى
والسائلون نواكس الأذقان فهو المهيب وليس ذا سلطان^۱

اقوال علماء در مورد امام مالک

امام شافعی رحمته می گویند: هنگامی که حدیثی از رسول الله و اصحاب نقل شود پس مالک همانند ستاره ای می درخشد.

همچنین می گویند: مالک حجت و دلیل خداوند بر خلقتش بعد از تابعین است یحیی بن سعید و یحیی بن معین می گویند: مالک امیرالمؤمنین در حدیث است. احمد بن حنبل رحمته می گویند: کسی که از امام مالک بدش می آید بدان که او از اهل بدعت می باشد. و اوزاعی درباره امام مالک می گویند: عالم علماء و عالم اهل مدینه و مفتی حرمین. ابن کثیر در «البدایه و النهایه» می گویند: و صفات نیکوی امام خیلی زیاد است و ثناء ائمه بر او بیشتر از این است که بتوان در اینجا ذکر کرد.

گهرهایی از سخنان و حکمت های امام مالک

* سخن هر کس قابل قبول و رد کردن می باشد مگر سخن صاحب این قبر، یعنی رسول الله ﷺ.

* تواضع، ترک ریا و شهوت طلبی است.

* هیچ شخصی صالح و پرهیزگار نمی گردد مگر زمانی که از اقوال و افعالی که به درد او نمی خورد اجتناب کند در این صورت است که خداوند دریچه قلبش را برایش می گشاید.

* حکمت، نوری است که خداوند در قلب بنده اش می تاباند.

۱- از جواب دادن خودداری می کند پس از هیبت او سؤال تکرار نمی شود و سؤال کنندگان سرهای خود را به زیر انداخته اند. ادب وقار و عزت پادشاهی تقوی. پس او دارای هیبت و وقار است و او پادشاه هم نیست.

* سپر عالم در مسائلی که نمی‌داند کلمه «نمی‌دانم» است و هنگامی که از این سپر غافل شود صاحبش از بین می‌رود.

* کسی که در اسلام بدعتی بوجود آورد و آن را نیکو بشمارد پس معتقد شده است که محمد ﷺ در ادای رسالت خیانت کرده است در حالیکه خداوند می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]^۱

پس چیزی که در زمان رسول الله ﷺ از جمله دین نبوده است امروز هم از دین نیست. و درست نمی‌شود آخر این امت، مگر بوسیله آن چیزی که اول این امت، بوسیله آن درست شده است.^۲

کتاب موطأ امام مالک و موقعیت علمی آن

این کتاب همان‌طور که یکی از علماء درباره آن گفته بهترین کتاب تألیف شده در دوران خود می‌باشد. امام شافعی می‌گویند: بعد از قرآن کتابی صحیح‌تر از کتاب مالک بر روی زمین وجود ندارد.^۳

همچنین امام شافعی می‌گویند: در میان کتاب‌هایی که تألیف شده، کتابی را بهتر از موطأ امام مالک ندیده‌ام و در آن احادیث و اقوال صحابه ذکر کرده و احادیثی که در آن ضعیف بوده و قابل قبول نبوده ذکر کرده است.

۱- ترجمه آن گذشت.

۲- منظور امام مالک پیروی از قرآن و سنت رسول الله ﷺ می‌باشد که اصحاب رسول الله به خاطر پیروی از قرآن و سنت مورد مدح و ستایش خداوند قرار گرفتند و خود را از پیروی از هوی و هوس نجات دادند و کسانی هم که بعد از صحابه می‌آیند باید این راه را ادامه دهند.

۳- در نزد اهل سنت کتاب صحیح امام بخاری و صحیح امام مسلم صحیح‌ترین کتاب‌ها بعد از قرآن می‌باشد و کتاب امام مالک قبل از این دو کتاب نوشته شده است. بنابراین قول امام شافعی در مورد کتاب امام مالک مربوط به دوران خود می‌باشد و کتاب موطأ یکی از کتب مراجع اهل سنت در حدیث می‌باشد.

سبب تألیف موطاً

ابن عبدالبر از فضل بن محمد مدنی نقل می‌کند که: عبدالعزیز بن ابی سلمه ماجشون اولین کسی است که کتابی را در معنای «موطاً» که در آن مسائلی که اهل مدینه بر آن اتفاق داشتند بدون اینکه دلیل آنها را از قرآن و حدیث رسول الله ﷺ ذکر کند، تألیف کرد. امام مالک این کتاب را مورد تحسین قرار داده و گفتند: اگر من این کتاب را تألیف کرده بودم اول احادیث را می‌آورم پس آراء و اقوال فقهاء که بعد آن امام مالک تصمیم بر تألیف کتاب موطاً گرفتند.

علت نامگذاری

امام مالک می‌گویند: کتاب خود را بر ۷۰ (هفتاد) نفر از فقهای مدینه عرض کردم که همه آنها با احادیث و اقوال صحابه که در آن ذکر کرده بودم موافقت کردند پس کتاب را موطاً نامیدم اکثر علمای اهل سنت کتاب موطاً را در درجه اول از درجات کتاب‌های تألیف شده در حدیث همراه با صحیح امام بخاری و صحیح امام مسلم و غیرهما به حساب می‌آورند و بهترین دلیل بر اهتمام علماء به کتاب موطاً، شرح زیاد علماء بر آن می‌باشد.

وفات امام مالک رحمه الله

سیوطی می‌گوید: امام مالک در روز یکشنبه مریض شده و مدت ۲۲ روز مریض بودند تا اینکه در روز یکشنبه دهم ربیع الاول سال ۱۷۹ ه. ق. وفات یافتند. ابن عبدالبر از اسماعیل بن ابی اویس نقل می‌کند که امام مالک مریض شدند و از آنچه که در هنگام مرگ گفته بودند سؤال کردیم، گفتند: شهادتین فرستادند پس گفتند: ﴿لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ﴾ [الروم: ۴].^۱

۱- «برای خداوند است امر از قبل و از بعد».

و در چهاردهم ربیع الاول سال ۱۷۹ هـ . ق. در زمان خلافت هارون الرشید وفات یافته و محمد بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بر او نماز گزارد. خداوند امام مالک را مورد رحمت خود قرار دهد و به خاطر زحماتی که برای اسلام و مسلمین کشیده‌اند جزای نیکو دهد.

فقیه بزرگ سنت محمد بن ادریس شافعی

اسم و نسب امام شافعی

او: محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبید بن عبد یزید بن هشام بن مطلب بن عبد مناف بن قصی قریشی از بنی المطلب و مادرش از قبیله ازد می باشد.

محل تولد و زندگی امام

امام شافعی در سال ۱۵۰ هـ در شهر غزه در فلسطین به دنیا آمد. در کوچکی پدرش را از دست داد. مادرش به خاطر اینکه نسب پسرش را حفظ کند او را در حالیکه دو سال داشت به مکه آورد. در سن ۷ سالگی قرآن را حفظ کرد و در سن ۱۰ (ده) سالگی کتاب موطأ امام مالک را حفظ نمود و در سن ۱۵ سالگی با اجازه استادش مسلم بن خالد زنجی فتوی داد. به شعر و لغت عربی توجه زیادی داشت و برای رفع مشکلات و لغات پیچیده عربی و تشخیص اشعار به امام شافعی مراجعه می شد.

دوران تحصیلی امام

امام نووی رحمته الله در مقدمه «المجموع» از مصعب بن عبدالله زبیری نقل می کند که امام شافعی در ابتدا به شعر و تاریخ عرب و لغت عربی روی آورد پس به فقه روی آورد. علت آن این است که روزی همراه با نویسنده پدرم سوار بر حیوان خود بود که شعری را خواند. نویسنده پدرم شلاقی به او زاده و گفت: آیا انسانی مثل تو باید با خواندن اینگونه اشعار شخصیت خود را پایمال کند؟ به دنبال فقه برو امام شافعی از این سخن متأثر شده و به حلقه درس مسلم بن خالد زنجی که مفتی مکه بود رفته سپس به مدینه آمد و در جلسات درس امام مالک بن انس شرکت کرد. همچنین امام نووی از حمیدی از خود امام

شافعی نقل می‌کنند که با مسلم بن خالد زنجی برخورد کردم. پرسید: ای جوان، از کجا هستی؟ گفتم: از مکه. گفت: خانه‌ات کجاست؟ گفتم: دره‌ای در خیف. گفت: از کدام قبیله‌ای؟ گفتم: از عبد مناف. گفت: چه نیکوست خداوند تو را در دنیا و در آخرت مشرف کرده است. چه خوب بود فهم و هوش را در راه فقه به کار می‌بردی. پس شافعی از مکه جهت کسب علم از محضر امام مالک رحمته به مدینه آمدند که کتابی هم درباره این مسافرت امام شافعی تألیف شده است. هنگامی که به نزد امام مالک آمدند موطاً را از حفظ برای امام مالک خواندند که امام مالک از حفظ امام شافعی تعجب کردند و به او گفتند: از خداوند بترس و از گناهان دوری کن زیرا تو آینده روشنی خواهی داشت.^۱

حدیث را یاد گرفت در طلب علم به مسافرت پرداخت و از محضر علماء استفاده می‌برد و در مقابل علماء نیز از علم او بهره می‌جستند و با شاگردان امام ابوحنیفه رحمته مانند محمد بن حسن شیبانی به مناقشه و بحث می‌پرداخت که محمد بن حسن شیبانی در بسیاری از مسائل فقهی تابع امام شافعی شدند. ابن کثیر می‌گوید: (حدیث را از گروهی از مشایخ و ائمه فرا گرفت و کتاب موطاً را از حفظ برای امام مالک خواندند که امام مالک از حفظ و اراده امام شافعی تعجب کردند و علم اهل حجاز را از مسلم بن خالد زنجی و امام مالک فرا گرفت و افراد زیادی هم از او روایت کرده‌اند.^۲

فهم و حفظ امام شافعی و اهتمام او به حدیث و سنت رسول الله ﷺ

امام شافعی رحمته نشانه و علامتی در فهم و حفظ می‌باشد که همه به آن اقرار دارند. خود امام می‌گویند: در مکتب‌خانه که بودم معلم به شاگردان آیه‌ای را که یاد می‌داد، من آن را حفظ می‌کردم و قبل از اینکه معلم از املاء کردن آیات فارغ شود من آن آیات را حفظ

۱- مقدمه «المجموع» امام نووی.

۲- البداية والنهاية.

کرده بودم روزی به من گفت: برای من حلال نیست که چیزی از تو بگیرم. امام نووی می‌گویند: به نشر حدیث و مذهب اهل حدیث اهتمام ورزید و به یاری و کمک سنت و حدیث شتافت تا آوازه او در همه جا پیچید و بنا به درخواست عبدالرحمن بن مهدی امام اهل حدیث در عصر خود، به تألیف اولین کتاب در اصول فقه به اسم «الرساله» همت گمارد که همه آن را پسندیدند و خود عبدالرحمن ابن مهدی و یحیی بن سعید قطان به آن علاقه زیادی نشان می‌دادند.^۱ ابن کثیر می‌گوید: امام شافعی از آگاه‌ترین افراد به معانی قرآن و سنت و استخراج دلایل از قرآن و سنت بود و دارای اخلاص عجیبی بود و امام شافعی می‌گویند: دوست دارم مردم این علم را فرا گیرند و چیزی به من منسوب نشود تا هم اجر این کار به من برسد و هم اینکه مورد تعریف و تمجید مردم واقع نشوم.

از ایشان روایت کرده‌اند که می‌گفتند: هنگامی که در نزد شما حدیثی صحیح باشد و آن را از من نشنیده‌اید پس براساس آن حدیث فتوا بدهید و قول مرا ترک کنید و این قول و عقیده من است در روایتی دیگر: پس، از من تقلید نکنید، و در روایتی دیگر پس، به قول من توجهی نکنید و در روایتی دیگر: پس سخن من را به دیوار بنزید زیرا من با بودن حدیث رسول الله ﷺ قولی ندارم.

پیروی از حدیث و مخالفت با مذهب اهل کلام

ابن کثیر می‌گویند: امام شافعی می‌گویند: اگر بنده‌ای با هر نوع گناه جز شرک به درگاه خداوند بیاید بهتر از این است که با علم کلام به درگاه خداوند بیاید. همچنین می‌گویند: اگر مردم می‌دانستند در علم کلام چقدر آراء باطل و نادرست و هوی و هوس وجود دارد همانطور که از شیر درنده فرار می‌کنند از علم کلام هم فرار می‌کردند. و می‌گویند: حکم من درباره اهل کلام این است که شلاق زده شوند و آنها را در میان قبایل بگردانند و

۱- مقدمه «المجموع».

اعلان کنند: این جزای کسی است که قرآن و سنت رسول الله ﷺ را ترک کرده و به علم کلام روی آورده است.^۱

بویطی از امام شافعی نقل می‌کنند که می‌گفتند: با اهل حدیث باشید زیرا راه اینها از همه راه‌ها صحیح‌تر است. و شافعی می‌گویند: هنگامی که یکی از اهل حدیث را می‌بینم گویا یکی از اصحاب رسول الله ﷺ را دیده‌ام خداوند ایشان را جزای خیر دهد که اصل و پایه دین را برای ما حفظ کرده و بر ما منت دارند که در این مورد این شعر را سروده است:

كُلُّ الْعُلُومِ سِوَى الْقُرْآنِ مَشْغَلَةٌ الْعِلْمُ مَا كَانَ فِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا
إِلَّا الْحَدِيثَ وَإِلَّا الْفَقْهَ فِي الدِّينِ وَمَا سِوَى ذَلِكَ وَسِوَاكَ الشَّيَاطِينُ^۲

ابن کثیر می‌گویند: ربیع و بسیاری از شاگردان ممتاز امام می‌گویند: امام شافعی در برابر آیات و احادیثی که صفات خداوند را بیان می‌فرمایند راه و روش سلف را انتخاب کرده بودند. یعنی بدون شبیه کردن خداوند به کسی از بندگان و نه مشخص کردن و چگونگی آن صفت و نه نفی کردن آن صفت از خداوند و نه تعبیر کردن به معانی‌ای که مخالف با اصل آیات و احادیث می‌باشد.^۳

ابن حجر در کتاب توالی التأسيس در باب (ذکر آنچه که از شافعی در پیروی از سلف در اعتقادات و احترام گذاشتن به احادیث پیامبر نقل شده است) از امام شافعی نقل می‌کنند که می‌گویند: هر کس که براساس قرآن و سنت سخن بگوید پس او بر حق است و هر کس که از غیر قرآن و سنت سخن می‌گوید پس او هذیان می‌گوید. امام نووی می‌گویند: از آن جمله: به کار بردن سعی و کوشش در یاری کردن حدیث رسول الله ﷺ و پیروی از آن و جمع‌آوری

۱- البداية والنهاية.

۲- هر عملی غیر از قرآن بی‌فایده است، مگر حدیث و فقه در دین، علم آن چیزی است که در آن از حدیث گفته شود، و غیر از این وسواس شیطان است.

۳- البداية والنهاية.

احادیث متفاوت در مورد یک مسأله خاص و برطرف کردن اختلافات بین این احادیث و یا جمع کردن بین این احادیث با مهارت خاصی، تا آنجایی که وقتی به عراق آمدند او را ناصرالحديث (یاری‌دهنده حدیث) نام نهادند و علماء و فقهاء خراسان لقب «أصحاب‌الحديث» را بر پیروان شافعی نهاده‌اند. با این حال امام شافعی به خاطر اینکه هیچ بشری احاطه کامل بر علوم ندارد جنبه احتیاط را رعایت کرده و همیشه توصیه به عمل کردن به حدیث صحیح و ترک کردن قول وی در زمانی که این قول با حدیث صریح و ثابتی تناقض داشته باشد می‌کند و پیروان امام شافعی در برابر فتاوای که مخالف با حدیث بوده به این وصیت عمل کرده و حدیث را مقدم بر قول امام شافعی کرده‌اند.^۱

پیروی امام شافعی از سنت رسول الله ﷺ

همانطور که قبلاً گفتیم امام شافعی به خاطر پیروی شدید از حدیث رسول الله ﷺ به ناصرالحديث لقب داده شد و همچنین به خاطر این بود که امام شافعی هر قول و اجتهدی که مخالف با حدیث بود مردود می‌شمرد و هیچ‌کس را در مقام مقایسه با رسول الله نمی‌دید تا قول او در برابر حدیث رسول الله ﷺ ارزش داشته باشد و هنگامی که حدیثی صحیح به او می‌رسید که حکم آن حدیث منسوخ نشده باشد^۲ آن حدیث را لازم‌الاتباع می‌دانست. و این از سخنان و بحث‌های امام آشکار می‌باشد و عبدالملک بن عبدالحمید بن مهران می‌گویند: امام احمد به من گفتند: چرا کتاب‌های شافعی را مطالعه نمی‌کنی؟ هیچ‌کدام از مؤلفین تابع‌تر از شافعی برای حدیث و سنت رسول الله نیست. احمد بن حنبل می‌گویند: بهترین کار امام شافعی این بود که وقتی که حدیثی قبلاً نشنیده

۱- مقدمة المجموع امام نووی.

۲- منسوخ: آیه و یا حدیثی است که به دستور خداوند به خاطر رفاه حال مؤمنین و در زمان رسول الله حکم آن از بین رفته و حکمی جدید جای حکم قبلی را گرفته که به این حکم جدید نسخ می‌گویند: و امکان دارد این حکم جدید از حکم قبلی آسان‌تر باشد مانند نسخ عده زن شوهر مرده از یک سال به چهارماه و ده روز و یا از حکم قبلی سنگین‌تر باشد: مانند نسخ زندانی کردن زانی.

بود به آن دست می‌یافت فوراً براساس این حدیث فتوی می‌دادند و از رأی خود باز می‌گشتند.

و امام شافعی می‌گویند: هر کدام از ما حدیثی از احادیث رسول‌الله ﷺ بر او مخفی می‌ماند پس هر فتوایی که بدهم و یا قاعده‌ای را بیان کنم که حدیث رسول‌الله با آن مخالف است پس قول، قول رسول‌الله ﷺ است و آن حدیث هم رأی من می‌باشد. ربیع از شافعی نقل می‌کنند که: هنگامی که در کتابم خلاف سنت رسول‌الله ﷺ را یافتید پس از سنت رسول‌الله ﷺ پیروی کنید و سخن من را ترک کنید. و از او این جمله مشهور شده است:

«إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي»^۱.

ابن حجر این واقعه زیر را که دلالت بر پیروی و التزام شدید شافعی به حدیث و سنت رسول‌الله ﷺ می‌باشد نقل می‌کند که:

مردی از شافعی درباره مسأله‌ای سؤال کرد که امام جواب او را داد که رسول‌الله ﷺ این چنین می‌فرمایند. آن شخص گفت: آیا این فتوی توهم هست؟ شافعی گفتند: این را بنگر. آیا در لباسم علامت و نشانه غیرمسلمانان را می‌بینی؟ آیا مرا در حالی که از کلیسا خارج می‌شدم دیده‌ای؟ می‌گویم: رسول‌الله ﷺ این چنین می‌فرمایند و می‌گویی: رأی تو چیست؟^۲

أقوال علماء درباره امام شافعی

ابن کثیر می‌گویند: بسیاری از بزرگان ائمه، امام شافعی را مورد ستایش قرار داده‌اند از آن جمله: عبدالرحمن بن مهدی که از شافعی خواست کتابی در اصول فقه تألیف کند که امام شافعی نیز کتاب «الرسالة» را نوشتند و برای امام شافعی در نماز دعا می‌کردند و از

۱- هنگامی که حدیث صحیح باشد پس آن مذهب من است.

۲- توالی التأسيس.

آن جمله استادش مالک بن انس و قتیبه بن سعید که می‌گویند: شافعی امام هستند، از آن جمله سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان که در نماز برای امام شافعی دعا می‌کردند و ابو عبید که می‌گوید: فصیح‌تر و عاقل‌تر و باتقواتر از شافعی ندیده‌ام.^۱

داود بن علی ظاهری کتابی در فضائل امام شافعی نوشته که در آن می‌گوید: شافعی خصلت‌های نیکویی دارد که غیر او ندارد از آن جمله: شرف نسب، صحت دین و عقیده، سخاوت نفس و آگاهی به صحیح و یا ضعیف یا ناسخ و منسوخ بودن حدیث و حفظ بودن قرآن و حدیث و زندگی خلفاء و کتاب‌های مفید و شاگردان و یاران خوب همانند احمد بن حنبل که در زهد و تقوی و پیروی از حدیث مشهور است. احمد بن حنبل می‌گویند: فصیح‌تر و بافهم‌تر از شافعی ندیده‌ام.^۲ این‌اند که از فضائل امام و اقوال علماء درباره او می‌باشد که مناسب با این کتابچه مختصر می‌باشد.

از اقوال و حکمت‌های شافعی

- * کسی که برادر خود را در پنهانی پند دهد یقیناً او را نصیحت و آراسته کرده است و کسی که برادر خود را علناً پند دهد یقیناً او را سرشکسته و خوار کرده است.
- * و به ربیع می‌گوید: ای ربیع، از سخنان بیهوده پرهیز کن زیرا زمانی که یک کلمه از دهانت خارج شد دیگر تو اختیار آن را نداری و او اختیار تو را دارد.
- * اگر تمام سعی و کوشش خود را به کار ببری تا مردم را راضی کنی نخواهی توانست پس عمل و نیت خود را برای خدا خالص کن.
- * وقار و سنگینی در هنگام تفریح از نادانی است.^۳
- * مشکل‌ترین کارها سه چیز است: بخشش هنگام تنگدستی، تقوی و ترس از

۱- البدایة والنہایة.

۲. توالی التأسیس.

۳- منظور امام شافعی این است که هر کاری جای مناسبی دارد پس کسی برای تفریح به صحرای رود باید احساس شادمانی کرده و خوش باشد.

خداوند در خلوت و تنها بودن، گفتن کلمه حق در نزد کسی که از او امید و ترس داری^۱.

کلماتی درباره علم

- * طلب علم بهتر از نماز سنت است.
- * کسی که خواهان دنیا است پس علم بیاموزد و کسی هم که خواهان آخرت است علم بیاموزد.
- * هیچ چیز بعد از انجام دادن فرائض، بنده را بهتر از علم به خداوند نزدیک نمی‌کند.
- * کسی که علم را بدون دلیل و مدرک طلب می‌کند همانند کسی است که در شب به جمع‌آوری هیزم مشغول است. پشته‌ای از هیزم را جمع کرده و در آن ماری هست که او را خواهد گزید و او نمی‌داند.

وفات امام شافعی رحمه الله

امام شافعی در مصر مریض شدند، و بیماری او بسیار شدید بود تا جائیکه یونس بن الاعلی می‌گوید: کسی را ندیده‌ام که مثل شافعی شده باشد. مزی که یکی از شاگردان او می‌باشد به عیادت وی رفته و سوال می‌کند. چگونه شب را به صبح رسانیده اید؟ امام شافعی گفتند: در حالی شب را به صبح رسانده ام که ترک کننده دنیا و ترک کننده دوستان و چشنده از جام مرگ و رونده دیدار خداوند -جل ذکره- می‌باشم و سوگند به خداوند نمی‌دانم آیا روحم به سوی بهشت پرواز می‌کند تا به او تبریک بگویم یا به سوی جهنم تا او را عزا گویم. سپس گریه کردند و این شعر را سرودند:

ولما قسى قلبى وضاعت مذاهبى تعاظمنى ذنبى فلما قرنته
وما زالت ذا عفو عن الذنب لم تزل جعلت الرجا منى لعفوك سلما

۱- جمع‌آوری شده از کتاب توالی التاسیس و مقدمه المجموع.

بعفوك ربى كان عفوك أعظما تجود وتعفو منة وتكرما^۱.
 ربیع بن سلیمان می‌گوید: امام شافعی در شب جمعه بعد از نماز عشاء و آخرین روز
 از ماه رجب سال ۲۰۴ هجری. ق. در سن ۵۴ سالگی وفات یافت، و در روز جمعه دفن
 کرده شد. خداوند از این امام بزرگوار راضی باد و او را در بهشت همراه با پیامبران
 و صدیقین و شهداء و صا لحن قرار دهد.

۱- و هنگامی که قلبم از گناهان سنگین شد و راه چاره بر من تنگ شد ، قرار دارم امیدواری از من برای عفو تو،
 پله‌ای . گناهانم در نظرم بسیار جلوه می‌کند اما وقتی که گناهانم را مقایسه کردم با عفو تو ای پروردگار ،
 عفو تو بزرگ‌تر است، و همیشه عفو می‌کنی از گناهان و همیشه، بخشش و عفو می‌کنی از روی منت و کرم.

امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمته الله

نسب امام احمد

او: احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس شيباني مروزي بغدادی که نسب او عربی و کنیه اش ابو عبدالله می باشد. حافظ بزرگ ابوبکر بیهقی نسب امام احمد را به ابراهيم خليل رحمته الله رسانیده است.

محل تولد و زندگی امام احمد

امام احمد رحمته الله در ربیع الاول سال ۱۶۴ هجری. ق. در بغداد بدنیا آمد. در سن ۳ سالگی پدرش را از دست داد و مادرش سرپرستی وی را به عهده گرفت. و در هنگامی که نوجوانی بیش نبود در مجالس درس ابویوسف قاضی حضور پیدا می کرد پس در سن ۱۶ سالگی به حدیث روی آورد.

وی برای شنیدن حدیث به مسافرت پرداخت و در این مسافرتها مورد تجلیل و احترام علماء و اساتید خود واقع می شد و توانست بر اثر این مسافرتها احادیث زیادی را جمع آوری کرده و کتاب «المسند» را که نزدیک به چهل هزار حدیث می باشد، تألیف کند.

ابن کثیر می گوید: امام شافعی در سفر دوم خود به بغداد در سال ۱۹۰ هـ ق. به امام احمد که در آن موقع سی سال و اندی داشت و با او در سفر بود می گوید: ای ابو عبدالله، هنگامی که حدیثی در نزد تو صحیح باشد به من هم اطلاع بده، حال این حدیث، حدیثی باشد که اهل حجاز آن را نقل می کنند یا اهل شام یا اهل عراق یا اهل یمن. این سخن امام شافعی دلالت بر احترام شافعی نسبت به امام احمد و مکانت علمی وی دارد که امام شافعی بر اساس صحیح یا ضعیف بودن حدیثی از نظر امام احمد فتوی بدهند. این

احترام و مکانتی است که امام احمد در بین علماء داشته و شهره و آوازه او در آغاز جوانی اش در آفاق اسلامی پیچیده بود.^۱

تقوی و زهد و بی آرایش امام احمد

تقوی و زهد امام احمد به حدی بوده که زبانزد عام و خاص بوده است، از قبول کردن قضاوت یمن به شدت خود داری نموده، همچنین از قبول کردن هدایا، وبخاطر اینکه در زندگی، و فقط از حاصل کار و زحمات استفاده می نمود، دچار تنگدستی شده بود. پسرش عبدالله می گوید: در زمان خلافت واثق در تنگدستی شدیدی بودیم. شخصی می خواست چهار هزار درهم به عنوان هدیه به پدرم بدهد که آن را از پدرش به ارث برده و بنا به اظهار آن شخص نه از صدقه بود نه از زکات، با وجود اصرار آن شخص، پدرم از قبول کردن آن هدیه خودداری نمود. پس از چندی در این مورد با پدرم صحبت کردم، گفتند: اگر آن را قبول می کردیم همه آن را مصرف کرده بودیم و چیزی از آن باقی نمانده بود. ابو داود می گوید: مجالس امام احمد، مجالس آخرت بود که در آن از لذات و خوشی های دنیا یادی نمی شد و هیچگاه امام احمد را ندیدم که لذات دنیا را ذکر کند.^۲

ابوجعفر محمد بن یعقوب صفار می گوید: همراه احمد بن حنبل در سامرا بودیم از او طلب دعا کردیم. گفتند: پروردگارا، تو می دانی که ما بیشترین اعمالی که دوست داری انجام می دهیم، پس ما را همیشه بر اعمالی که دوست داری قرار بده، سپس سکوت کردند. طلب دعای بیشتری کردیم گفتند: پروردگارا، به راستی ما از تو طلب می کنیم به وسیله آن قدرتی که گفتی برای آسمان ها و زمین: «بیائید در زیر امر و حکم من، چه بخواهید و چه نخواهید، گفتند: آمدیم اطاعت کنندگان»^۳. که ما را موفق به انجام دادن

۱- البدایة والنهایة.

۲- البدایة والنهایة.

۳- ﴿أَتَيْنَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ [فصلت: ۱۱].

اعمالی کنی که در آن رضایت توست. پروردگارا، ما از فقر به تو پناه می‌بریم مگر و از فقری و محتاجی به تو پناه می‌بریم به تو از خواری و ذلت، مگر از خواری و ذلت برای تو^۱. پروردگارا، زیاد بر ما نعمت مده که سرکشی می‌کنیم و نعمت‌هایت را بر ما کم مکن که نعمت را فراموش می‌کنیم، و ببخش برای ما از رحمت و رزقت آنچه که ما را موفق به طاعت و عبادت تو می‌کند و ما را با فضل و کرم بی‌نیاز کن.

ابن کثیر رحمته الله پس از اینکه در باره زهد و تقوای امام احمد سخن می‌راند و می‌گوید: و خبرهای وارده از او در مورد زهد و تقوا بسیار زیاد می‌باشد. و امام احمد در زهد کتابی بس پر منفعت تالیف کرده که همانند آن تا کنون نوشته نشده است، همیشه در حد توان خود زندگی می‌کردند.

پیروی امام احمد از سنت رسول الله و احترام به اهل حدیث

عبدالملک میمونی می‌گوید: چشم من کسی را بهتر از احمد بن حنبل ندیده، و به حرمت خداوند و از سنت رسول الله ﷺ و پیروی از آن ارزش بس بزرگی قائل بود که همانند او، کسی را از بین محدثین ندیده‌ام، و می‌گفتند: کسی که حدیث رسول الله ﷺ را رد نماید نزدیک است که هلاک شود.

امام احمد می‌گویند: تعجب می‌کنم از افرادی که صحیح بودن حدیث را شناخته با این حال به رأی سفیان ثوری روی می‌آورد، و خداوند می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]^۲. می‌گفتند: کسی که اهل حدیث را احترام و تجلیل نماید در نزد رسول الله ﷺ احترام و منزلت دارد و کسی که اهل

۱ - منظور از دعا این است که خدایا ما از فقری و محتاجی به تو پناهنده می‌شدیم مگر از فقر و احتیاجی که به تو داریم و از ذلت و خواری در برابر بندگان تو به تو پناهنده می‌شدیم مگر از ذلتی که برای مقام و عظمت تو باشد. این دعا طلب آزادی انسان از قید و بند دنیا و بندگی برای انسان مثل خود، می‌کند. و طلب بندگی خالص برای خداوند و ذلیل و خاشع بودن فقط در برابر خداوند می‌کند.

۲ - معنی آیه: «پس باید بترسند کسانی که مخالفت می‌کنند از امر پیامبر اینکه برسد به ایشان آزمایشی».

حدیث را تحقیر کند در نزد رسول الله ﷺ حقیر می‌باشد، زیرا اهل حدیث^۱، علمای رسول الله ﷺ می‌باشند.

فضل زبیدی می‌گوید: امام احمد در حالیکه، اهل حدیث به نزد او آمده به قلم‌های آنها اشاره کرده و گفت: این قلم‌ها چراغ‌های اسلام هستند. و در باره اصحاب حدیث گفتند: اینها بهترین مردم نباشند پس دیگر چه کسانی بهترین مردم هستند؟^۲.

امام احمد و فتنه خلقت قرآن

بیهقی رحمته می‌گویند:

بیان مشقتها و سختی‌هایی که ابو عبدالله احمد بن حنبل در زمان خلافت مأمون و معتصم و الواثق بخاطر قرآن متحمل شده و بیان زندان‌های طویل‌المدت و کتک‌های زیاد و تهدید به قتل و شکنجه‌های بسیار امام احمد و بی‌توجه بودن امام به این مشقتها و صبر کردن و پایداری بر دین خدا و راه مستقیم.

امام احمد از آیات و احادیثی که درباره تحمل سختی در راه دین صحبت می‌کند آگاهی کامل داشته بدین خاطر با رضایت کامل متحمل شکنجه‌ها شد و در این راه پایداری نشان داد تا خداوند او را از جمله اولیاء راستین خود قرار داد و به سعادت دو جهان دست یافت. خداوند می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۚ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۖ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ۚ﴾ [العنکبوت: ۱-۳].^۳

۱- منظور از اهل حدیث یا اصحاب حدیث علمای هستند که احادیث را نقل می‌کنند و توانسته‌اند با دقت در نقل احادیث، دین را برای ما حفظ کنند.

۲- احمد بن حنبل از دکتر عبدالغنی الدقر.

۳- آیا حساب می‌کنند مردم اینکه ترک کرده شوند که بگویند ایمان آورده‌ایم در حالیکه ایشان آزمایش نشده‌اند. و یقیناً آزمایش کرده‌ایم کسانی که قبل از ایشان بودند پس تا بدانند خداوند کسانی که راست گفته‌اند تا بدانند کسانی که دروغ گفته‌اند.

و می فرمایند:

﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷].^۱

و امام احمد در كتاب «المسند» از سعد روايت می كند كه سؤال كردم يا رسول الله چه كسانى بیشتر در مشقت و سختى واقع می شوند؟ فرمودند: پیامبران سپس كسانى كه مثل پیامبر هستند. سپس كسانى كه در درجه بعدى قرار می گیرند و خداوند بنده اش را به اندازه دين و ایمانش مورد آزمایش قرار می دهد و همچنان این آزمایش خداوندی ادامه دارد تا اینکه تمام گناهان این شخص از بین برود.^۲

ابن كثير می گوید: خلاصه مشقت و سختی امام احمد از زبان ائمه اهل سنت - در آنچه كه گذشت گفتیم كه مأمون خلیفه عباسی، گروهی بر فكر و عقل او تسلط یافته و او را از راه حق منحرف كرده و به او گفتند كه قرآن از جمله مخلوقات خداوند است و خداوند دارای صفات نمی باشد. بیهقی می گوید: خلفای بنی امیه و بنی عباس تابع عقیده و مذهب سلف صالح بوده اند و زمانی كه مأمون به خلافت رسید معتزله دور او جمع شده و او را گمراه كردند.^۳

و رئیس آنها احمد بن ابی داود معتزلی بود و مردم را مجبور به قبول این عقیده كردند كه قرآن مخلوق خداوند است. علماء و اهل حدیث را تهدید كردند. از آنها كسانى بودند كه با جبار و كراحتاً قبول كردند و از آنها كسانى بودند كه در ظاهر این عقیده را قبول كرده و بعضی از آنها نیز فرار كردند. اما امام احمد بن حنبل و محمد بن نوح از قبول این عقیده خودداری كردند. امام احمد به زندان انداخته شد و او را تحت شکنجه و اذیت قرار دادند تا اینکه به یاری خداوند حق از باطل آشكار شد و از جمله كسانى می باشند كه رسول الله ﷺ درباره آنها می فرماید: همیشه گروهی از امت من بر راه مستقیم و حق

۱- و صبر كن آنچه كه به تو از سختی ها می رسد به راستی كه صبر كردن از قوی بودن اراده در امور می باشد.

۲- البداية والنهاية - ابن كثير.

۳- البداية والنهاية - ابن كثير.

پایدار هستند که از اذیت و شکنجه و مخالفت بیم و هراسی ندارند تا اینکه وعده خداوندی در مورد پیروزی ایشان بیاید و آنها بر این راه مستقیم هستند^۱.

امام احمد نزدیک به ۱۵ (پانزده) سال در زندان در زیر شکنجه و تهدید در ایام خلافت مأمون و معتصم و واثق بود و در زمان خلافت متوکل که از دوستداران سنت و عقیده سلف صالح بود امام از زندان آزاد شدند. در زندان در حالیکه پاهایش در زنجیر بود نماز جماعت برگزار می‌کرد. پس بنگر ای برادر مسلمان، چگونه این امام بزرگوار در قضیه‌ای از قضایای عقیده پایداری کرد و ذره‌ای از عقیده خود عقب‌نشینی نکرد و حق را برای مردم بیان کرد. بدین خاطر به «امام اهل سنت» مشهور شد.

اقوال علماء درباره امام احمد

امام شافعی می‌گویند: از عراق بیرون آمدم و کسی بهتر و داناتر و زاهدتر و باتقواتر از احمد بن حنبل در آن نبود.

قتیبه بن سعید می‌گویند: با مرگ سفیان ثوری زهد و بی‌آلایشی از بین رفت و با مرگ شافعی سنت‌های رسول الله ﷺ از بین رفتند و با مردن احمد بن حنبل بدعت‌ها آشکار خواهند شد. یحیی بن معین می‌گویند: احمد بن حنبل خصلت‌هایی داشتند که در کسی دیگر ندیده‌ام: وی محدث، حافظ، عالم، باتقوی، زاهد و عاقل بودند.

امام بخاری می‌گویند: هنگامی که احمد بن حنبل شلاق زده می‌شد در بصره بودیم. ابوولید طیالسی می‌گفت: اگر احمد بن حنبل در بنی اسرائیل می‌بود زبانزد آنان می‌شد.

ابوزرعه رازی می‌گویند: در میان یاران خودمان کسی را داناتر از احمد بن حنبل نمی‌شناسم.

یحیی بن معین که از اساتید و هم‌تایان امام احمد می‌باشند می‌گویند: مردم از ما می‌خواهند که مانند احمد بن حنبل باشیم، سوگند به خداوند توانای تحمل شکنجه‌هایی

۱- حدیث از امام بخاری و امام مسلم رحمه الله علیهما روایت کرده‌اند.

که احمد بن حنبل متحمل آن شده، نداریم و نمی‌توانیم راهی که احمد بن حنبل می‌پیماید آن را بپیماییم.

وفات امام احمد بن حنبل

صالح پس امام احمد می‌گویند:

پدرم در اول ماه ربیع‌الاول سال ۲۴۱ هـ. ق. مریض شدند. در روز چهارشنبه دوم ربیع‌الاول به عیادت پدرم رفته در حالیکه ضعیف شده بود و نفس‌های بلند می‌کشید پرسیدم: ای پدر، ظهر چه خورده‌ای؟ گفتند: آب باقلا، سپس صالح ازدحام جمعیت از بزرگان و عموم مردم برای عیادت امام را بیان می‌کند. ابن‌کثیر می‌گویند: بهترین کار امام احمد در آخر عمرش این بود که به خانواده‌اش اشاره کردند که او را با وضو کنند و او در اثنای وضو به ذکر خداوند مشغول بودند پس از اكمال وضو، وفات یافته (رضی الله عنه) او دو ساعت بعد از فجر روز جمعه وفات یافتند و مردم در خیابان‌ها جمع شدند. در تشییع جنازه‌اش افراد زیادی جمع شدند که تعداد آنها را فقط خدا می‌داند و امیر وقت محمد بن عبدالله بن طاهر بر او نماز گزارد. بیهقی و غیره نقل می‌کنند که محمد بن عبدالله بن طاهر دستور دادند جمعیت شرکت‌کننده را بشمارند که تعداد آنها یک میلیون و سیصد نفر و یا بیشتر بوده است و خداوند دانای‌تر است.^۱

عبدالوهاب وراق می‌گوید: تاکنون چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام سابقه ندارد که جمعیتی بدین زیادی که در تشییع جنازه احمد بن حنبل جمع شدند، در تشییع جنازه دیگری نیز جمع شده باشند. ابن‌کثیر از دارقطنی از عبدالله بن احمد نقل می‌کند که پدرم می‌گفت: به اهل بدعت بگویید وعده بین ما و شما جنازه‌های ماست که خواهیم دید چگونه تشییع خواهد شد. خداوند هم این سخن امام احمد را به مرحله عمل رساند که

در تشییع جنازه‌اش آن جمعیت عظیم جمع شدند و ناگفته نماند که امام احمد امام اهل سنت در زمان خود بودند.^۱

رحمت و رضوان خداوند بر امام احمد باد و به خاطر زحماتی که برای اسلام و مسلمین کشیده‌اند جزای خیر دهد.